

استراتژی ایران در قبال اوپک جهت مقابله با تحریم‌ها

رضا مجدی

کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه عالمه طباطبایی Reza.Majdi@outlook.com and Reza_Majdi@atu.ac.ir

چکیده

سازمان جهانی اوپک که در سال ۱۹۶۰ با هدف ایجاد تعامل در بازار جهانی نفت به منظور تأمین منافع تولیدکنندگان و مصرف کنندگان نفت تأسیس شد، همواره در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کشورهای پیشگام در تأسیس این سازمان و از بزرگترین تولیدکنندگان نفتی آن، مواجهه‌ای سیاسی، آن هم در راستای سیاست‌ها یکجانبه‌گرایانه آمریکا داشته است. این موضوع بویژه بعد از روی کار آمدن ترامپ در آمریکا و تلاش برای به صفر رساندن صادرات و فروش نفت ایران در قالب تحریم‌های گسترده نفتی، ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت.

مقاله حاضر به دنبال بررسی راهکارهای پیش روی ایران برای بهره‌برداری از ظرفیت سازمان اوپک به منظور مقابله با تحریم‌هاست و با اتخاذ رویکرد روش‌شناختی تحلیلی-تبیینی و با روش تحقیق کتابخانه‌ای، به گردآوری داده‌های مرتبط پرداخته است. نگارندگان مقاله با مفروض دانستن این نکته که «ایجاد تفاهم با کشورهای عضو اوپک به صورت انفرادی و همچنین در مجموع، می‌تواند باعث ایجاد هماهنگی این سازمان در جهت حمایت از منافع کشورهای عضو شده و هزینه ایجاد فشار بر کشورهای عضو اوپک را برای آمریکا افزایش دهد» در مجموع به شش استراتژی اصلی برای فعال سازی اوپک در قبال تحریم‌های نفتی آمریکا علیه ایران دست یافته‌اند که عبارتند از «ایجاد تفاهم با عربستان سعودی»، «استفاده از ظرفیت اوپک برای تبلیغ علیه اقدامات آمریکا»، «فعال کردن دیپلماسی انرژی و همراه کردن سایر کشورها»، «اعمال فشار به اوپک در جهت انجام مفاد اساسنامه و حمایت از اعضا»، «تلاش برای دستیابی به جایگاه سیاسی-حقوقی برتر در اوپک» و «تضمین آینده فروش نفت کشور با روش‌های اقتصادی نوین».

کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی، اوپک، تحریم‌های نفتی

مقدمه

از زمانی که اولین چاه نفت ایران در منطقه نفتون مسجد سلیمان حفر شد، بیش از یک قرن می‌گذرد و طی این مدت تقریباً تمامی مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران با نفت و درآمدهای حاصل از آن عجین شده است. طی این مدت نفت مهمترین محل ارتباطی با دنیای خارج نیز بوده است. اهمیت نفت مخصوص ایران نبوده و کشورهای دارنده و فروشنده نفت نیز همین ملاحظات را دارا می‌باشند. تلاش کشورهای فروشنده نفت جهت مدیریت عرضه و تقاضا و همچنین قیمت نفت، باعث شکلگیری سازمان کشورهای صادرکننده نفت در ۱۹۶۰ شد. تأمین منافع جمعی یا فردی اعضای اوپک هدف مهمی بوده که منجر به شکل‌گیری این سازمان شد. ولی، با توجه به اینکه نفت یک کالای استراتژیک محسوب می‌شود علاوه بر داشتن ابعاد اقتصادی و فنی، دارای جهات سیاسی نیز هست.

جهتگیری سیاسی اوپک در سال‌های اخیر و با اوج یافتن تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده آمریکا علیه ایران شدت گرفته و فرصتی برای عربستان سعودی جهت تضعیف ایران فراهم آورده است. در این راستا با وجود اینکه ایران عضوی از اوپک است و این سازمان موظف به حمایت از منافع اعضای خود می‌باشد، عربستان همراهی با تحریم‌های ایالات متحده آمریکا را پیشه خود ساخته است. با توجه به وضعیت ناهماهنگ و تفرقه درونی اعضای اوپک، سؤال این است که استراتژی ایران برای بهره بردن از ظرفیت اوپک جهت مقابله با تحریم‌ها چگونه باید باشد؟

نکته مهمی که محور مطالعه پیش روست، این است که اوپک برای تأثیرگذاری بیشتر بر معادلات جهانی، مخصوصاً به منظور همراهی نکردن با سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه آمریکا، می‌بایست به صورت یک سازمان متشکل، یک دست و هماهنگ عمل کند. بنابراین استراتژی ایران می‌بایست بر مبنای ایجاد هماهنگی بین اعضای اوپک در راستای مقابله با تحریم‌ها صورت بگیرد. این امر میسر نمی‌شود مگر اینکه در وهله اول تفاهم بین ایران و عربستان حاصل شود و سپس با ایجاد وحدت رویه، مجموعه سازمان اوپک به استقلال اقتصادی و سیاسی دست یابد. پژوهش حاضر از نوع تبیینی-تحلیلی است، زیرا در نظر دارد تلاش ایران برای کسب حمایت اوپک را با استفاده از نظریه نهادگرایی نولیبرال تبیین کند. در این راستا داده‌های مربوطه با شیوه کتابخانه‌ای جمع آوری شده‌اند.

چارچوب نظری

نهادگرایی نولیبرال^۱

برای بررسی این مسئله که ایران چگونه می‌تواند از ظرفیتهای اوپک برای حل و فصل مسئله تحریم‌ها استفاده کند، می‌توان از چارچوب نهادگرایی نولیبرال استفاده کرد. این نظریه در بر دارنده لوزام و سازوکارهایی برای ایجاد همکاری، هماهنگی و رسیدن به منافع در ورای مرزهای ملی و در چارچوب یک نهاد بین‌المللی است. آغاز نقش آفرینی پر رنگ رویکرد نهادگرایی نولیبرال به زمان افول هژمونی^۲ ایالات متحده از دهه ۱۹۷۰ متعاقب فروپاشی نظام مالی برتون وودز^۳ بر می‌گردد. وقتی آمریکا دیگر نتوانست به تنهایی از هزینه کالاهای عمومی یا همان رژیم‌های بین‌المللی برآید، بحث‌های جدی پیرامون آینده نظام اقتصاد سیاسی جهانی و تکلیف سرنوشت رژیم‌های بین‌المللی از جمله رژیم بین‌المللی و انرژی میان اندیشمندان مطرح شد و سناریوهای مختلفی در مورد چگونگی مدیریت جهان پسا هژمونیک ارائه شد. نهادگرایان نولیبرال ایده جایگزینی همکاری مشترک را به جای هژمونی تک نفره برای پرداخت هزینه رژیم‌های بین‌المللی پیشنهاد کردند. به زعم آنها، وابستگی در جهان پسا هژمونیک از طریق تجارت دولت‌ها بر اساس منافع خود امکان‌پذیر است (پوراحمدی، ۱۳۹۰: ۱۴).

طبق دیدگاه نهادگرایان لیبرال، نهاد بین‌المللی، سازمان بین‌المللی نظیر ناتو یا اتحادیه اروپاست و یا مجموعه‌ای از قوانین که ناظر بر اقدامات دولت در عرصه‌های بخصوصی است. این مجموعه از قوانین رژیم نامیده می‌شوند (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۰: ۱۵۴). نهادها با مشخص کردن وظایف و حقوق طرف‌های قرارداد و مجاری ارتباطی، هزینه تعاملات طرف‌های قرارداد را کاهش

- 1- Neoliberal Institutional
- 2- Organization of the Petroleum Exporting Countries
- 3- Hegemony
- 4- Bretton Woods

می‌دهد و رژیم‌های بین‌المللی مبتنی بر این قراردادها، امکان پیش بینی رفتار بازیگران دیگر را فراهم می‌کند (بلوجی، ۱۳۸۲: ۱۵۴). به طور کلی، نهادها باعث همکاری در ورای دولت‌های ملی می‌شوند. همکاری در داخل نهادها مستلزم مذاکراتی است که به سازگاری متقابل رفتار می‌انجامد و به تعدیل و تنظیم رفتارها می‌انجامد (Herbert, 1996: 228). نهادها با سیال کردن اطلاعات میان دولت‌های عضو، باعث می‌شوند تا ابهامات رفتاری میان دولت‌ها به میزان زیادی کاهش یابد (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۰: ۱۵۷). کشورها پیگیری منافع خود را در داخل رژیم‌ها نیز ادامه می‌دهند، ولی از طریق همکاری و مشارکت (Simpson, 2000: 445). در داخل رژیم‌ها چندین راه حل نهادی مانند ایجاد مجازات‌های مناسب و حق شرط‌های گوناگون برای غلبه بر عدم قطعیت و نگرانی از آینده وجود دارد (Koremenos, 2002: 280). حال این پرسش مطرح می‌شود که نهادها چگونه می‌توانند دولت‌ها را در این مسیر تحت تأثیر قرار دهند؟ این نهادها با ایجاد قواعد و هنجارهای عام، ارائه اطلاعات لازم به کشورهای مختلف، فراهم آوردن زمینه گفتگو بین بازیگران متعدد عرصه بین‌المللی و بالاخره، ایجاد ساختار واحد، شفاف‌سازی روابط بین دولت‌ها و حل معمای امنیت در عرصه بین‌المللی، که عنصری مؤثر در ناامنی بین‌المللی محسوب می‌شود، نقشی اساسی در برقراری امنیت ایفا می‌کند (یزدان‌فام، ۱۳۸۶: ۷۳۴).

بدین ترتیب، مطابق به آنچه نظریه نهادگرایی نولیبرال به دست می‌دهد، ایران برای استفاده از ظرفیت‌های اوپک جهت مقابله با تحریم‌ها، باید مذاکره، شفاف‌سازی، سیال کردن اطلاعات مورد مناقشه، ایجاد حق شرط، ایجاد مکانیسم مجازات برای خاطی و غیره را به مثابه راهکارهایی پیش رو قرار دهد که می‌تواند با پیشقدم شدن در اعمال آن‌ها در اوپک، در وهله اول اعتماد سایر کشورهای اوپک را جلب کند، در وهله بعد سایر کشورها تشویق به انجام عمل متقابل شوند و در نتیجه بی‌اعتمادی‌ها کاهش یافته و این سازمان می‌تواند با هماهنگی و انسجام بیشتری در مقابل فشارهای یکجانبه و غیرقانونی ایالات متحده مقاومت کند.

چالش‌ها و فرصت‌های ایران در ساختار اوپک

سازمان کشورهای صادر کننده نفت، یک تشکیلات دائمی و بین دولتی است که در سال ۱۹۶۰ توسط ۵ کشور ایران، عراق، کویت، عربستان و ونزوئلا در کنفرانس بغداد تأسیس شد. هدف از تشکیل اوپک هماهنگ و متحد کردن سیاست‌های نفتی کشورهای عضو بود. سیاست‌هایی که دستیابی به قیمت‌های منصفانه و پایدار برای محصولات نفتی و همچنین تأمین نفت برای کشورهای مصرف کننده به صورتی کارآمد، اقتصادی و قاعده‌مند را فراهم نماید (احسانی، ۱۳۹۵: ۳). این تشکیلات ضمن تعیین سقف تولید نفت سازمان، آن را بین اعضا سهمیه‌بندی می‌کند. با این مکانیسم عرضه و تقاضای جهانی نفت تحت تأثیر قرار گرفته و در نتیجه قیمت این ماده حیاتی متأثر می‌شود (حشمت‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۴).

این سازمان از سه ارگان تشکیل شده است: کنفرانس، هیأت مدیره و دبیرخانه. کنفرانس عالی‌ترین مقام سازمان است که از نمایندگان کشورهای عضو تشکیل شده است و بر اساس ماده ۱۵ اساسنامه می‌بایست: ۱- سیاست‌های عمومی سازمان را تنظیم نموده و مسیرها و ملزومات اجرایی آنها را معین نماید. ۲- در مورد هرگونه امور مربوط به عضویت در سازمان تصمیم‌گیری کند. انتصاب اعضای هیأت مدیره را تأیید نماید. ۳- نسبت به تحویل گزارش‌ها و پیشنهادهای در رابطه با هر موضوع مرتبط با سازمان، توسط هیأت مدیره دستورات لازم را به آنها ابلاغ نماید. ۴- گزارش‌ها و پیشنهادهای هیأت مدیره را در نظر گرفته و نسبت به امور سازمان تصمیم بگیرد. ۵- با ملاحظه صورت حساب‌ها و گزارش حسابداران که توسط هیأت حاکمه تقدیم شده، نسبت به آنها تصمیم بگیرد. ۶- در صورت نیاز هرگونه اصلاحیه یا الحاقیه را به اساسنامه اضافه نماید. ۷- رئیس و نایب رئیس هیأت مدیره، دبیرکل و حسابدار سازمان را تعیین کند (احسانی، ۱۳۹۵: ۴).

هیأت مدیره متشکل است از نمایندگان کشورهای عضو سازمان که حکم آنها توسط کنفرانس تأیید می‌شود. دبیرکل و تعدادی کارمند تشکیل دهنده دبیرخانه می‌باشند. وظایف دبیرکل عبارتند از: ۱- هدایت برنامه‌ای مداوم در تحقیقات جهت تأمین نیازهای سازمان به خصوص در مباحث انرژی و موضوعات مرتبط با آن. ۲- ارائه شرح حال، آینده پژوهی و تحلیل پیرامون پیشرفت‌های صنایع انرژی و پتروشیمی. همچنین ارزیابی هیدروکربن‌ها، محصولات و استفاده‌های غیر انرژی از آنها. ۳- تحلیل مسائل مالی و اقتصادی موضوعات مهم به ویژه مسائل بین‌الملل و صنعت نفت در دنیا. ۴- حفظ و توسعه پایگاه اطلاعات برای پشتیبانی از فعالیت‌های تحقیقی دبیرخانه و کشورهای عضو سازمان. ۵- تلاش برای همسو کردن کشورهای عضو در مذاکرات

بین المللی (احسانی، ۱۳۹۵: ۴-۵). ساختار اوپک نشان می‌دهد که این نهاد پتانسیل زیادی برای ایجاد انسجام و هماهنگی بین کشورهای عضو برای اتخاذ سیاست‌های مستقل و حمایت کننده از اعضا دارد. همچنین اوپک امتیازات و فرصت‌هایی دارد که از آن می‌تواند یک نهاد مؤثر و قدرتمند در تعاملات جهانی بسازد.

اعضای اوپک حدود ۵ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. این ۵ درصد حدود ۷۵ درصد از ذخایر شناخته شده نفت را در جهان دارا می‌باشند. برآوردها حاکی از آن است که تا سال ۲۰۴۰ نیاز جهان مستلزم تولید ۱۱۰ تا ۱۲۰ میلیون بشکه نفت در روز خواهد بود که رشد زیادی را شامل می‌شود، طبیعتاً انتظار آن است که رشد تقاضای نفت با اتکا به ذخایر کشورهای مثل اعضای اوپک برآورده شود. این امر می‌تواند یکی از فرصت‌ها و تهدیدهای بزرگ اوپک باشد. افزایش تقاضا و اقبال به اوپک در آینده فرصت است، زیرا به معنای افزایش درآمد و ثروت و قدرت برای آن است. اما تشدید رقابت برای تحصیل نفت و تلاش برای استفاده ابزاری از نیاز بازیگران بزرگ به نفت و تحت فشار قرار دادن آنها می‌تواند برای اوپک و اعضای آن تهدید باشد (حشمت‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۷). ۱۲ کشور عضو اوپک شامل ایران، عراق، کویت، لیبی، نیجریه، قطر، عربستان، امارات و ونزوئلا بر حسب جمعیت، نیازهای مالی و سرمایه‌گذاری، میزان ذخایر نفتی، ظرفیت تولید نفت خام و درآمد سرانه تفاوت‌های چشمگیری با یکدیگر دارند (معینی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲).

سهم بالای تولید در جهان، تضمین درآمدی ثابت برای کشورهای تولیدکننده، بستر توسعه اقتصاد ملی کشورهای عضو و حضور اکثریت کشورهای مسلمان از نقاط قوت اوپک و تنوع کشورهای عضو و عدم انسجام و هماهنگی، عدم وحدت در خط مشی کشورهای عضو، تعاملات نامناسب بین‌المللی، سلطه‌پذیری کشورهای عضو از قدرت‌های بزرگ، وابستگی اعضا به اقتصاد تک محصولی، تهدیدات دائمی کشورهای عمده نفت خیز توسط قدرت‌های سلطه‌گر غرب، تأثیرپذیری اقتصادهای ملی از سهم اوپک و تقاضای جهانی، فقدان فناوری بالای کشورهای عضو و سلطه کشورهای صنعتی، تفاوت ساختار بینشی و سیاسی کشورهای عضو و تبلیغات منفی کشورهای مصرف‌کننده نفت (سیف و حافظیه، ۱۳۹۲: ۲۰۰)، از نقاط ضعف اوپک محسوب می‌شود.

استفاده از توان فکری و ایدئولوژی اسلام برای تعامل مؤثر و سازنده اقتصادی با جهان اسلام، استفاده از ظرفیت اوپک برای مقابله با یکجانبه‌گرایی قدرت‌های بزرگ، استفاده از ظرفیت اوپک برای مقابله با ایران هراسی، شناسایی بازارهای جدید برای توسعه صادرات کنونی و تبدیل پتانسیل‌های بالقوه به بالفعل در این بازارها، ارتقای کارآمدی، تحرک بی‌وقفه و جهت دار از طریق دیپلماسی و حضور فعال در نشست‌ها، کنفرانس‌ها و معاهدات اوپک با سایر کشورها و نهادها (سیف و حافظیه، ۱۳۹۲: ۲۰۸)، از جمله فرصت‌های ایران برای مقابله با تحریم‌ها محسوب می‌شود. همچنانکه تأثیرپذیری کشورهای عضو اوپک از قدرت‌های بزرگ و عدم استقلال در رویه از جمله چالش‌های ایران در این سازمان به حساب می‌آید.

اوپک و تحریم نفتی ایران

تقابل ایران و آمریکا در دوره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از همان ابتدای پیروزی انقلاب شروع شد، در جریان تسخیر سفارت و گروگانگیری کارمندان سفارت آمریکا توسط دانشجویان انقلابی به اوج رسید و از آن پس تحریم‌های زیادی علیه جمهوری اسلامی از طرف آمریکا و غرب اعمال شد. ولی در این می‌بخت بیشتر تحریم‌های نفتی مد نظر است.

تحریم بر دو نوع عمده است: تحریم‌های تجاری و تحریم‌های مالی. تحریم‌های تجاری بر صادرات و واردات کالاها یا کالای خاص کشور هدف اعمال می‌شود، اما تحریم مالی بیشتر بر گردش مالی کشور مذکور تمرکز می‌کند. تحریم بانک‌ها یا بانک مرکزی از نوع تحریم‌های مالی است. با این حال اغلب تحریم‌ها ترکیبی از تحریم‌های تجاری و مالی است (طغیان و درخشان، ۱۳۹۳: ۱۱۹). تحریم‌هایی که از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال شده است، بخش وسیعی از اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار داد؛ به‌گونه‌ای که علاوه بر محدودیت‌های گذشته که در قالب روابط تجاری و محدودیت بر سرمایه‌گذاری خارجی اعمال می‌شد، اینبار به‌منظور فلج کردن اقتصاد ایران، ممنوعیت‌هایی در روابط مالی - بانکی و صادرات

۱- قطر در سال ۲۰۱۹ از اوپک خارج شده است.

نفت در نظر گرفته شد و تحریم‌های اقتصادی با ایجاد مانع بر سر راه صادرات نفت و ارتباطات پولی و مالی ایران و ناکارآمدی داخلی، منجر به کندی روند توسعه اقتصادی شد. ایالات متحده می‌داند که ساختار اقتصادی ایران براساس اقتصاد نفت پایه می‌چرخد و با ارز به دست آمده از فروش نفت، ارز مورد نیاز خود را به اقتصاد کشور تزریق می‌کند؛ از اینرو تلاش می‌کند تا با کمک اتحادیه اروپا با تحریم نفتی عملاً ایران را از بخش اعظم درآمد خود محروم کند (مصلی نژاد، ۱۳۹۴: ۱۷۶-۱۷۵). از این رو، یکی از تحریم‌های جدید آمریکا و اتحادیه اروپا، تحریم مالی و بانکی ایران است. آمریکا به موجب قانون کنگره بانک مرکزی ایران را تحریم و مبادلات مالی با بانک‌های ایرانی را محدود کرد. اتحادیه اروپا نیز در پی قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت که از کشورها می‌خواهد از ارائه کمک‌های مالی به ایران خودداری کنند، تحریم مبادلات مالی با بانک‌های ایرانی را تصویب و اجرا کرد. از جمله این تحریم‌ها، محدودیت شبکه مالی سوئیفت برای نقل و انتقالات پولی میان ایران و دیگر کشورهاست (طغیانی و درخشان، ۱۳۹۳: ۱۲۹).

مذاکرات ایران با غرب در دوره حسن روحانی منجر به انعقاد توافق هسته‌ای در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ در وین بین ایران و گروه ۵+۱ شد. این توافق سپس در شورای امنیت به موجب قطعنامه ۲۲۳۱ رسمیت یافت. به دنبال این موارد برخی تحریم‌های هسته‌ای اروپا و آمریکا لغو و برخی دیگر به تعلیق درآمد که در نتیجه آن برخی شرکت‌های اقتصادی در حوزه‌های مختلف نظیر توتال، ایرباس و پژو و ... مجاز شدند تا با ایران وارد همکاری و تعاملات اقتصادی شوند (سیدتقی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۹).

به دنبال توافق برجام و لغو تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، شرکت ملی نفت ایران نیز در پی گرفتن حق خود از بازار بین‌المللی نفت برآمدند و حتی تلاش کردند تا طی حدود دو سال بعد از تصویب برجام، با افزایش تولید و صادرات، از طریق استراتژی نفوذ و کاهش قیمت‌ها در بازار نفت بر اثر ایجاد مازاد عرضه، تولیدکنندگان نفت را به پذیرش حق ایران در بازار و کاستن از تولید سایر اعضای اوپک وادار کنند (دولابی و حامدی، ۱۳۹۶: ۴۰).

اما پس از گذشت حدود ۳۴ ماه از توافق هسته‌ای، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، روز سه شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ اعلام کرد که به مشارکت کشورش در توافق مذکور پایان داده است. سپس استیو منوشین^۱، وزیر خزانه داری آمریکا، نحوه بازگشت تحریم‌ها را اینگونه اعلام کرد که بعد از دوره‌های ۹۰ و ۱۸۰ روزه تحریم‌ها اعمال خواهند شد^۲ و در جریان آن شرکتها و بانک‌ها فعالیت‌های خود را که در ارتباط با ایران است را به تدریج کاهش خواهند داد.

بدین ترتیب، کمتر از ۱۸۰ روز بعد، هر نوع معامله با شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی نفت کش ایران و شرکت بازرگانی نفت ایران، از جمله خریداری نفت و محصولات نفتی یا محصولات پتروشیمی از ایران مورد تحریم قرار گرفت و از نوامبر ۲۰۱۹، به‌طور رسمی اعلام شد که دولت ترامپ می‌خواهد صادرات نفت ایران را به صفر برساند و در این امر، تا حد زیادی موفق نیز بوده است. آنچنان‌که داده‌های تجاری نیز به روشنی گویای آن هستند که صادرات نفت خام ایران بین آوریل ۲۰۱۸ و اکتبر ۲۰۱۹ تقریباً ۸۰ درصد کاهش یافته است (Brown, 2020: 1). و این روند در ماه‌های بعد از آن نیز ادامه یافته است.

بعد از خروج آمریکا از برجام، به رغم نبود یک اجماع جهانی علیه ایران، تحریم‌های یکجانبه آمریکا دیگر کشورها را تحت فشار قرار داده تا از میان رابطه اقتصادی با ایران و آمریکا یکی را انتخاب کنند (سنگری مهذب و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۸۰). همزمان با تلاش آمریکا برای به صفر رساندن صادرات نفت ایران، سازمان اوپک نه تنها هیچ حمایتی از ایران نکرد، بلکه کشورهای عمده

1- Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication

۲- شامل ۵ کشور عضو دائم شورای امنیت یعنی آمریکا، روسیه، انگلیس، فرانسه، چین + آلمان

3- Steven Mnuchin

۹ از جمله تحریم‌هایی که در دوره ۹۰ روزه اعمال شدند می‌توان به تحریم‌های مربوط به خرید یا اکتساب اسکناس‌های دلار آمریکا توسط حکومت ایران اشاره کرد و در مورد تحریم‌های ۱۸۰ روزه نیز می‌توان به تحریم معامله با بخش‌های کشتی‌رانی و کشتی‌سازی ایران و عاملان بنادر شامل شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، خطوط کشتی‌رانی جنوب و وابستگان به آنها، تحریم مربوط به معامله با شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی نفت کش ایران، شرکت بازرگانی نفت ایران و از جمله خریداری نفت، محصولات نفتی با محصولات پتروشیمی از ایران، تحریم‌های مربوط به مبادلات مؤسسات مالی خارجی با بانک مرکزی ایران و مؤسسات مالی ایرانی که به موجب بند ۱۲۴۵ قانون اختیارات دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۱۲ در فهرست تحریم قرار گرفته‌اند و تحریم‌های مربوط به بخش انرژی ایران اشاره کرد (سیدتقی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۹).

آن مانند عربستان، با اعلام آمادگی برای پر کردن خلاء ناشی از صادرات نفت ایران، با ایالات متحده همراهی کرده‌اند. این مسئله نشان دهنده عدم استقلال اوپک و جهت‌گیری سیاسی اعضای آن است که یکی از عمده‌ترین نقاط ضعف اوپک محسوب می‌شود.

در هر صورت ایران می‌بایست برای کسب حمایت اوپک اقداماتی انجام دهد که در قالب استراتژی کلی ایجاد توافق و همکاری با اوپک گنجانده می‌شود. در قالب این استراتژی کلی، تاکتیک‌ها و روش‌های مختلفی قابل انجام است؛ هرچند عده‌ای معتقدند که اقدامات ایران در چارچوب اوپک منجر به نتیجه دلخواه نخواهد شد و در نتیجه، به خروج ایران از اوپک اعتقاد دارند که آن هم در قالب یک استراتژی متفاوت، قابل بررسی است.

استراتژی‌های ایران در قبال اوپک به منظور مقابله با تحریم‌های نفتی امریکا

به منظور مقابله با تحریم‌های نفتی امریکا علیه ایران، مطابق با یافته‌های حاصل از نظریه نهادگرایی نولیبرال که مذاکره، شفاف‌سازی، سیال کردن اطلاعات مورد مناقشه، ایجاد حق شرط و مکانیسم مجازات را در راستای «جلب اعتماد» و سپس «عمل هماهنگ متقابل» پیشنهاد می‌کند، استراتژی کلی ایران، تلاش برای ایجاد مفاهمه با اعضای اوپک و کسب حمایت آنهاست. در ذیل به مهمترین تلاشها و اقداماتی که ایران باید در این زمینه انجام دهد پرداخته می‌شود.

۱- ایجاد تفاهم با عربستان سعودی

در ساختار روابط بین‌الملل به موازاتی که قدرت یک دولت افزایش می‌یابد، به طور طبیعی، به افزایش تمایل دیگران برای محدود کردن، ایجاد توازن و بازدارندگی قدرت آن منجر می‌شود. ایران به طور تاریخی و از لحاظ قدرتی، از همسایگان خود به ویژه همسایگان حوزه جنوبی برتر بوده است، بنابراین همواره افزایش قدرت ایران در آنها اضطراب و نگرانی ایجاد کرده است (سیمبر، ۱۳۸۹: ۱۲۳). در چنین شرایطی رقابت ایران و عربستان سعودی در چشم‌انداز رقابت‌های سیاسی و اقتصادی این دو قدرت منطقه‌ای اهمیت دو چندانی یافته است. آنچنان که رقابت‌های سیاسی ایران و عربستان در عراق، سوریه، افغانستان و لبنان و حتی بحران روابط کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی و امارات متحده عربی با قطر، به علت وابستگی هر دو گروه به درآمدهای نفتی، به تشدید رقابت این دو در اوپک منجر شده است (شهریاری و دیگران، ۱۳۹۸: ۷). با ناامید شدن عربستان از توافق هسته‌ای و احساس اینکه ایران در حال به چالش کشیدن نقش رهبری عربستان در جهان اسلام است، به نظر می‌رسد ریاض برای افزایش فشار دو جانبه به ایران، از طریق تولید نفت و تحریکات فرقه‌ای و دیگر تاکتیک‌ها آماده شده است. در این راستا عربستان سعودی از نفت خود به عنوان یک سلاح برای محدود کردن منافع اقتصادی ایران از برجام استفاده می‌کند. به گونه‌ای که این نوع استراتژی باعث شده عربستان طی سالهای اخیر با پایین نگه داشتن قیمت نفت فشار را بر ایران افزایش دهد. عربستان ترجیح می‌دهد در مقابله با ایران در عرصه‌هایی که دارای قدرت ویژه است از جمله در عرصه اوپک و نفت، علیه ایران اقدام کند. عربستان به دلیل نگرانی از نقش رو به رشد ایران در منطقه از سلاح اقتصادی استفاده می‌کند. کمپین تحریم کالاهای ایرانی نیز در عربستان تشکیل شده است. کشورهای دیگر عرب همپای عربستان در کشورهای خود همین کار را کرده‌اند. علاوه بر اینها، عربستان به همراه سایر کشورهای اقماری خود در شورای همکاری خلیج فارس و در قالب یک بلوک عربی در برابر ایران ایستاده‌اند و از طریق نفت به عنوان یک سلاح کارآمد به ایران فشار وارد می‌کنند (کریمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۰۷-۱۰۶).

در داخل اوپک نیز رویکردهای ایران و عربستان در مقابل یکدیگر قرار دارد. گروه کشورهای اوپک بر اساس تفاوت‌های ماهوی به دو گروه قابل تقسیم هستند: گروه اول به رهبری عربستان سعودی شامل کشورهای کویت، امارات و لیبی است که از درآمد سرانه بالا، ذخایر اثبات شده سرانه قابل توجهی برخوردار هستند (کشورهای سازگار با آینده). این کشورها طرفدار افزایش عرضه کل نفت در تلاش برای تعدیل قیمت‌ها و حفظ تقاضای بلند مدت بوده‌اند. گروه دوم نیز شامل کشورهای ایران، نیجریه، عراق، ونزوئلا، آنگولا و الجزایر (کشورهای سازگار با حال)، خواستار این هستند که اوپک کل تولیداتش را به نفع افزایش سریع قیمت‌ها محدود نماید. این کشورها دارای درآمد سرانه پایین، صادرات سرانه نفتی کم و جمعیت زیاد هستند، در حالی که

کشورهای گروه اول به توسعه حیاتی بلندمدت و پایدار می‌اندیشند، کشورهای با درآمد پایین تنها خواستار پوشش مشکلات مالی کوتاه مدت خود هستند (خاتمی و شکیبائی، ۱۳۹۶: ۳۳).

البته از دهه ۱۹۷۰ تاکنون، استفاده عربستان سعودی از نفت به‌عنوان سلاحی در برابر رقیب خود ایران، بی‌سابقه نبوده است. در نوامبر سال ۲۰۰۶، نواف عبید، یکی از مشاوران امنیتی عربستان سعودی، در مقاله‌ای در واشنگتن پست نوشت: «اگر عربستان سعودی تولید نفت را افزایش و قیمت را تا ۵۰ درصد کاهش دهد، این مسئله برای ایران ویران‌کننده خواهد بود و توانایی‌های ایران را در هدایت صدها میلیون شبه نظامی شیعه در عراق و دیگر مناطق کاهش خواهد داد». بدین ترتیب مشخص می‌شود که عربستان عامدانه چه در داخل و چه در خارج از اوپک در مقابل ایران قرار گرفته و هدف آن تضعیف جایگاه ایران در منطقه خاورمیانه است (هرورانی و خوشکلام خسروشاهی، ۱۳۹۵: ۶۱-۵۹).

بدین ترتیب، به نظر می‌رسد روشن است که با توجه به نقش ویژه عربستان در بازار نفت جهانی، اولویت ایران باید ایجاد تفاهم با عربستان باشد. آنچنان‌که بی‌شک یکی از اهداف و اولویت‌های جمهوری اسلامی ایران در جهت کاستن از تنش در روابط خارجی و ارتقای امنیت ملی، همکاری با کشورهای منطقه برای جلوگیری از نظامی شدن گفتمان در مناطق همجوار خود است که با ترکیبی از حسن همجواری و روحیه برادری ابراز می‌گردد (پوراحمدی و ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۲۰).

از سوی دیگر، همراهی عربستان با آمریکا در زمینه به صفر رساندن صادرات نفت ایران به دلیل اختلافات سیاسی ایران و عربستان در سطح منطقه است. به نظر می‌رسد اگر بین این دو کشور مسلمان تفاهم شکل بگیرد، بسیاری از مشکلات نفتی ایران حل می‌شود. به عنوان نمونه اگر بخواهیم یک مورد را مطرح کنیم باید گفت عدم همراهی عربستان با آمریکا در به صفر رساندن صادرات نفت ایران، حداقل اگر منجر به شکست آمریکا در این سیاست نمی‌شد، مشکلات عدیده‌ای را برای این کشور در راستای تأمین نفت جهانی به وجود می‌آورد. عدم توازن بین عرضه و تقاضا و بالا رفتن قیمت جهانی نفت، باعث نارضایتی بسیاری از کشورها و در نتیجه ایجاد مشکل برای آمریکا می‌شد. مسئله بعد این است که عربستان به عنوان برادر بزرگتر و رهبر بسیاری از کشورهای عربی مطرح است و تفاهم با عربستان به نوبه خود به معنای تفاهم و دوستی با کشورهای دیگری مانند امارات، بحرین، کویت و دیگر کشورهای کوچک عربی است. بر مبنای نظریه نهادگرایی نولیبرال سازوکارهای ایجاد مذاکره، گفتگو و تفاهم در چارچوب اوپک برای کشورهای ایران و عربستان مفتوح است. اگر مسیر دیپلماسی و سیاست خارجی دو کشور برای مذاکره باز نیست، ساختار اوپک مجال خوبی برای دو کشور است که به مذاکره روی بیاورند.

براین اساس، ایران می‌تواند با شفاف‌سازی و سیال کردن اطلاعات هسته‌ای و سیاست‌های منطقه‌ای خود، ابهامات و نگرانی‌های عربستان سعودی را بر طرف کند. این مسئله به کاهش ترس و تغییر ذهنیت عربستان منجر می‌شود. این دو کشور می‌توانند در چارچوب اوپک سازوکاری برای همکاری دوجانبه و چندجانبه بیابند، حق شرط‌هایی بگذارند و مجازات‌هایی برای خاطیان با ضمانت اجرای مؤثر وضع کنند. ایران می‌بایست در این زمینه پیشقدم شود، و با رفع نگرانی‌های امنیتی عربستان، این کشور را از موضع کشور دشمن، به موضع کشور دوست یا حداقل کشور بی‌طرف سوق دهد.

در مقابل، اگر راهبرد فوق پاسخگو نبوده و رویکرد عربستان در قبال ایران را دستخوش تغییر اساسی ننماید، آن‌گاه با توجه به ساختار دو قطبی اوپک و اینکه ایران رهبر گروهی از کشورهاست که به عنوان کشورهای سازگار با حال در نظر گرفته می‌شوند، می‌تواند از این موقعیت خود استفاده کند و با ایجاد یک گروه متشکل، به صورت دسته جمعی در مقابل گروه رقیب خود در داخل اوپک موضع‌گیری کند. از این طریق قدرت چانه‌زنی بیشتری کسب کرده و منافع بیشتری به دست می‌آورد. حتی تهدید به خروج از اوپک نیز می‌تواند برای اعتبار و منزلت این سازمان گران تمام شود، بنابراین کشورهای رقیب سعی می‌کنند برای حفظ جایگاه این سازمان در نظام بین‌الملل، به اهداف جمعی این سازمان و اصول اولیه آن پابندی بیشتری نشان دهند.

۲- استفاده از ظرفیت اوپک برای تبلیغ علیه اقدامات آمریکا

در عرصه روابط بین‌الملل یکی از اقداماتی که علیه هژمون صورت می‌گیرد و باعث می‌شود هژمون با شکست مواجه شده یا در اقدام خود تجدیدنظر کند، از مشروعیت انداختن اقدامات هژمون به وسیله نهادهای بین‌المللی است. به نظر می‌رسد با توجه به جایگاه اوپک در دنیا و رصد شدن اقدامات و فعالیت‌های آن در قالب نشست‌ها، بیانیه‌ها و توافقنامه‌های آن، ایران می‌تواند با

حره تحریم امریکا از این زاویه نیز مقابله کند و با رساندن پیام ظلم امریکا علیه ملت ایران و حقانیت خود، افکار عمومی دنیا را با خود همراه کرده و بار سنگینی بر دوش امریکا قرار دهد.

با وجود تلاش‌های مؤثری که ایران در این سالها و در توافق برجام برای اعتمادسازی و ابهام‌زدایی از برنامه هسته‌ای خود انجام داده است، اما روند پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت و تمدید تحریمها از سوی ایالات متحده آمریکا، حکایت از آن دارد که بازیگران اصلی عرصه بین‌الملل و به خصوص آمریکا به توافقات پایبند نبوده‌اند (سنگری مهذب و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۰۸). تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران به طور غیرمستقیم لطمه‌ای است به حق تعیین سرنوشت و خودمختاری ملت‌ها که مورد تأکید قطعنامه‌های مختلف و اعلامیه‌های گوناگون نیز قرار گرفته است. بنابراین با فرض اثبات اهداف غیر مشروع آمریکا در مداخله در نظام سیاسی ایران و اثبات سیاسی بودن این تحریم‌ها می‌توان بدین معنی قائل بود که آمریکا با این اقدام خود به نوعی قاعده شناخته شده حق تعیین سرنوشت را در مورد ملت ایران نفی می‌کند (خیری، ۱۳۹۳: ۵).

بنابراین ایران باید از امکانات تبلیغاتی خود جهت رفع یا جلوگیری از تشدید تحریمها به ویژه به کمک دیپلماسی خارجی، دیپلماسی عمومی (رسانه‌ای، فرهنگی و غیره) استفاده کند. استفاده از تریبون اوپک برای اعتراض به تحریم‌های امریکا در مسئله ایران هراسی و ایجاد ذهنیت منفی توسط امریکا و کشورهای مخالف جمهوری اسلامی مسئله مهمی است که در برابر عملیات روانی تحریم کنندگان مطرح است (طغیانی و درخشان، ۱۳۹۳: ۳۵). با توجه به اینکه رویکرد امنیت نهادگرا برای مدیریت ناامنی، به جای تکیه بر تظاهرات ناامنی، بر عوامل درونی ناامنی از جمله ادراک، تمایلات و اطلاعات بازیگران تکیه دارد و از طریق اصلاح و بازسازی این عوامل، در جهت مدیریت ناامنی تلاش می‌نماید، ایران با استفاده از ظرفیت اوپک می‌تواند توان تبلیغی خوبی برای کاهش ترس دولت‌ها از خود ایجاد کند. ایران می‌تواند با استمرار ایران رویه منافع خود را پیگیری کند.

۳- فعال کردن دیپلماسی انرژی و همراه کردن سایر کشورها در چارچوب اوپک

یک قاعده کلی در مورد مقابله با اقدامات هژمون این است که هرچه تعداد نیروهای موازنه دهنده در مقابل هژمون زیادتر باشد، احتمال موفقیت در برابر این کشور بیشتر می‌شود. حمایت یا عدم حمایت کشورها از اعمال تحریمها و مشارکت آنها در اجرای آن در موفقیت یا عدم موفقیت آن تأثیری بسزا دارد. به عبارتی تأثیر تحریمها، بخصوص تحریم اقتصادی تا حد قابل ملاحظه‌ای وابسته به حمایت بین‌المللی است. در این بین کشورهای منطقه و همجوار از جایگاهی ویژه برخوردارند (ولیزاده، ۱۳۹۰: ۳۵۹). به طور کلی، همراهی سایر بازیگران مهم اقتصادی و سیاسی با کشور تحریم کننده نقش مؤثری در موفقیت امریکا برای دستیابی به اهداف خواهد داشت.

تحریم‌های ایران از ابتدای انقلاب اسلامی همواره با مخالفت کشورهای مستقل جهان مواجه بوده است. وجود قدرت‌های اقتصادی مستقل مانند چین، روسیه، ترکیه، و غیره سبب شده است که بتوان از طریق این کشورها که قادرند در برابر تهدیدات امریکا ایستادگی بیشتری کنند، اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی را تقلیل داد (طغیانی و درخشان، ۱۳۹۳: ۱۲۷). در این راستا می‌بایست دیپلماسی انرژی فعالی را ارائه کرد. بدون تردید آن چه دیپلماسی یک کشور را در عرصه‌های مختلف آن معنادار و مؤثر می‌سازد، برخورداری از ارتباط و تعامل با دیگر بازیگران در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. این ارتباطات به منزله فضای تنفسی برای یک موجود زنده است. در عرصه دیپلماسی انرژی نیز وضعیت به همین گونه است (شهبانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۳۲). در عرصه خارجی، دیپلماسی انرژی ایجاب می‌کند تا اقدامات ویژه‌ای برای شکل دادن به روابط مناسب و رو به پیشرفت با کشورهای عضو اوپک و غیر اوپک که از لحاظ ژئوپلیتیک انرژی حائز اهمیت می‌باشند، صورت بگیرد. از این رو، ایران باید برای تحقق و پیشبرد اهداف کلان خود به ائتلاف و در نهایت، اتحاد بیندیشد (پوراحمدی و ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۷). یافتن متحدان و شرکای جدید در فضای بین‌المللی در کاهش هزینه‌های تحریم به ایران کمک می‌کند. ایران می‌تواند با ابزارهای تشویقی مناسبتری نسبت به بازار، مانند قیمت پایینتر، مشتریان واقعی و مستقل پیدا کند و با بستن قراردادهایی که ضمانت اجرایی داشته باشد، از فروش نفت خود مطمئن شود. مسئله بعد این است که کشور باید با توجه به وابستگی متقابل بین کشورها دیپلماسی انرژی فعالی را به مرحله عمل درآورد.

گسترش فوق العاده وابستگی متقابل بین کشورها و اعضای جامعه بین‌المللی وضعیتی پیچیده را به وجود آورده است. این وابستگی رابطه‌ای دو سویه است. از یک سو این وابستگی کشور تحریم شده را به خاطر نیازمندی به منافع و بازارهای خارجی ضربه پذیر می‌کند، و از سوی دیگر، وجود جانشین‌ها و بدیل‌هایی در بازار جهانی و امکان یافتن راه‌حل‌های جدید فرایند اجرای تحریم‌ها را دچار مشکل می‌سازد. برای اینکه تحریم‌ها مؤثر باشند باید به حد کافی وسیع و دارای پشتیبان باشند که به سادگی، گریزگاهی برای کشور تحریم شده یافت نشود، چرا که در صورتی که کشور تحریم شده منابع تأمین به غیر از تحریم کنندگان بیابد، تحریم تا حد زیادی خنثی می‌شود (ولیزاده، ۱۳۹۰: ۳۶۱). اگر دولتها بتوانند با پیوندهای اقتصادی، برقراری تحریم و یا ارائه مشوق، از وابستگی متقابل به نفع خود استفاده کنند، قادر می‌شوند انگیزه‌هایی را برای دیگران ایجاد کنند تا با اهداف امنیتی آنها هماهنگ عمل کنند. از این منظر وابستگی متقابل به مثابه تنها بازدارنده قدرتمندتر در مقابل هر تحریم یا بلوکه کردنی به کار آید (Verma, 2007: 3296).

وابستگی متقابل پیچیده و چندجانبه، کشورها را در وضعیت مشروط از حیث منافع آشکاری که به جهت تداوم روابط دوجانبه و چندجانبه دارند، قرار می‌دهد. پیوندهای منطقه‌ای به خصوص در عرصه همکاریهای انرژی یک راهبرد ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود که منجر به افزایش همکاری و اشتراک منافع ایران با کشورهای منطقه، و دیگر شرکاء شده و برآیند آن بر ارتقاء و تحکیم مبانی ثبات، اقتدار و عزت جمهوری اسلامی نمودار می‌شود. به این ترتیب، پیوستن به روند مبادلات منطقه‌ای و جهانی که منجر به عملیاتی شدن عرصه وابستگی متقابل چندجانبه در روابط اقتصادی، انرژی، سیاسی و امنیتی کشور می‌شود، ضمن کاهش تهدیدها علیه کشور با افزایش نقش و تأثیرگذاری آن، دستیابی به امنیت ملی را تسهیل می‌سازد (پوراحمدی و ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۲۲).

در این راستا نهادگرایان نولیبرال ایده جایگزینی همکاری مشترک را به جای هژمونی تک نفره برای پرداخت هزینه رژیم‌های بین‌المللی پیشنهاد کردند. به زعم آنها، وابستگی متقابل در جهان پسا هژمونیک از طریق تجارت دولت‌ها بر اساس منافع خود امکان پذیر بود. ایران می‌تواند در چارچوب اوپک و قوانین آن، و با در نظر گرفتن میزان سهمیه خود برای فروش نفت، و با فعال شدن دیپلماسی انرژی، مجاری ارتباطی خاصی با سایر کشورها و شرکت‌های بین‌المللی بیابد، و با عقد قراردادهایی، که حقوق و وظایف مشخص با ضمانت اجرای مشخصی داشته باشد، رفتار آنها را قابل پیش بینی کند. با توجه به اینکه هنوز برخی از کشورها بدون توجه به سلطه طلبی امریکا، به صورت مستقل عمل می‌کنند، و با توجه به روند روزافزون وابستگی متقابل بین کشورها، می‌توان با ایجاد شرایط مناسب، این کشورها را به سمت عقد قراردادهای همکاری نفتی سوق داد.

۴- اعمال فشار به اوپک در جهت انجام مفاد اساسنامه و حمایت از اعضا

از آنجا که مؤسسين اوپک دولت‌های نفتی بوده و بالاترین ارکان آن شورای وزیران است، بعضاً می‌توان آن را مؤسسه‌ای سیاسی دانست که وظایف اقتصادی همچون تعیین سقف و سهمیه تولید و بیان قیمت هدف را به انجام می‌رساند. طبعاً با چنین ویژگی‌هایی تصمیمات اقتصادی و تجاری اوپک نیز نمی‌تواند از ملاحظات و مصالح سیاسی اعضای آن به دور باشد (حشمت‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۴). از منظر رئالیسم اقتصادی اگر اوپک را به مثابه سازمانی متشکل از دولتهای متعدد بدانیم، قطعاً منافع اعضای اوپک در ساخت تصمیمات و سیاستهای کلان این سازمان دخالت دارد (باقری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴۲). در ادامه اگر اوپک را یک کارتل نفتی در نظر بگیریم در این صورت دو ویژگی مهم رفتار کارتلی تأثیر بر میزان تولید و تأثیر بر قیمت است. در زمینه مقدار تولید، کارتل با هماهنگی میان اعضاء میزان تولید را کنترل می‌کند و در زمینه اثر بر قیمت بدین صورت است که با کنترل میزان تولید، بر قیمت بازار تأثیر می‌گذارد (طباطبائی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۳). تحلیلگران اوپک را به تنهایی تنظیم کننده واقعی قیمت جهانی نفت به شمار نمی‌آورند (arezki and others, 2017: 13). در سال‌های اخیر کشورهای صادر کننده نفت که عضو اوپک نیستند رو به افزایش بوده و اوپک مجبور است برای حفظ بهای نفت خام با آنها کنار بیاید. مهمترین این کشورها روسیه است (دولابی و حامدی، ۱۳۹۶: ۳۶).

در هر صورت، اوپک بر اساس همکاری چند کشور تأسیس شد تا با تعهد آنها نسبت به یکدیگر، منافع اعضا در کنار بازار نفتی پایدار تأمین شود (احسانی، ۱۳۹۵: ۴). آنچه که در نظام مدیریتی اوپک حائز اهمیت است پایبندی کشورهای عضو به قوانین سازمان، نظام سهمیه بندی و عمل به آن با وجود برخی تغییرات در روش‌های کاری اوپک است (معینی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲). بر طبق اساسنامه، ایران معتقد است که اوپک باید به شدت از اعضای خود حمایت کند و توطئه‌های کشورهای را که سعی در سیاسی کردن این سازمان دارند متوقف کند (Sharafedin, 2018: 2). در صحنه عمل نیز ایران همواره به سیاست‌های اوپک معترض بوده است. به عنوان نمونه در خرداد ۱۳۹۷، ایران و ونزوئلا از اوپک خواستند در نشست آینده این سازمان درباره پیامدهای تحریم‌های آمریکا بحث کنند. هر دو کشور با استناد به اساسنامه اوپک، خواهان حمایت دیگر اعضای این سازمان شدند. مانوئل کودو، وزیر نفت ونزوئلا، در نامه‌ای به اوپک نوشته است: «من محترمانه درخواست حمایت و پشتیبانی دیگر اعضا را دارم. اوپک باید درباره پیامدهای محدود کننده تحریم‌های یکجانبه وضع شده از سوی آمریکا بحث کند که مصداق تخاصم فوق‌العاده، از جهت مالی و اقتصادی، برای عملیات صنعت نفت کشور ما و ثبات بازار هستند» (خبرگزاری مهر، ۱۹ خرداد ۱۳۹۷).

همچنین در خرداد ۱۳۹۷ و پس از آنکه ترامپ از تصمیم خود برای به صفر رساندن فروش نفت ایران پرده برداشت، وزیر نفت نامه‌ای به رئیس دوره‌ای اوپک نوشت. نامه‌ای که در آن به یکی از اهداف اوپک اشاره شده است. بیژن زنگنه در نامه خود به سهیل محمد المزروعی، وزیر انرژی و صنعت امارات و رئیس دوره‌ای کنفرانس اوپک، خواستار گنجاندن دستورکار جداگانه‌ای در کنفرانس آتی اوپک تحت عنوان «حمایت اجلاس وزیران اوپک از اعضای که تحت تحریم‌های غیرقانونی، یک جانبه و فرامرزی قرار می‌گیرند» شد. او با اشاره به تحمیل تحریم‌های یکجانبه و غیرقانونی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، بر اجرای «ماده ۲» اساسنامه اوپک مبنی بر حمایت از منافع هر یک یا همه کشورهای عضو تأکید کرد. زنگنه با اشاره به اظهارنظر برخی اعضای اوپک متذکر شده است که «هیچ کشوری سخنگوی اوپک نیست و تصمیم‌های سازمان تنها با اجماع همه اعضای آن صورت می‌گیرد». وزیر انرژی عربستان اخیراً اعلام کرده بود که به دنبال این است تا طرح کاهش تولید نفت را برای از بین بردن نگرانی عرضه تعدیل کند (لباف، رزنامه ایران، ۱۲ خرداد ۱۳۹۷).

اکنون ایران با استناد به منشور اوپک از تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت خام می‌خواهد که سهم ایران در بازار را رعایت کنند و نفت خام تولیدی خود را جایگزین نفت خام ایران نکنند. هر چند که تصمیم‌گیری‌ها در اوپک ضمانت اجرایی ندارد و از طرفی با اجماع حاصل می‌شود، اما این درخواست وزیر نفت از اوپک در دستورکلی سازمان وجود دارد و به سهم خواهی ایران کمک خواهد کرد. اینکه چقدر کشورهای حوزه خلیج فارس و عضو در اوپک به درخواست ایران اهمیت می‌دهند، مشخص نیست، اما نامه زنگنه یک جو روانی مثبت را برای ایران ایجاد و اوپک را فعال کرد (لباف، رزنامه ایران، ۱۲ خرداد ۱۳۹۷).

همچنین بعد از گذشت حدود یک سال از زمانی که زنگنه، به اوپک نامه‌ای ارسال کرد تا نسبت به «استفاده ابزاری و سیاسی» از امکانات اوپک در حمایت از سیاست‌های آمریکا علیه ایران هشدار دهد؛ بالاخره این خواسته از زبان مقام ارشد اوپک خطاب به آمریکا مطرح شده است. آبان‌ماه سال ۱۳۹۷ و اندکی پس از آغاز فاز دوم تحریم‌های آمریکا علیه ایران با تمرکز بر صفر کردن فروش نفت کشور؛ زنگنه در نامه‌ای به محمد سانوسی بارکیندو، خواستار توقف فعالیت دو کمیته مشترک نظارت و کمیته فنی مشترک کشورهای عضو و غیرعضو اوپک شد. از نگاه او، این دو کمیته از اهداف اولیه اوپک فاصله گرفته بودند، به خصوص آنکه برخی اعضای اثرگذار در اوپک، در همراهی با تحریم‌های آمریکا علیه ایران چیزی کم نمی‌گذاشتند. برای نمونه، تصمیم به افزایش تولید یک میلیون بشکه‌ای تولیدات کشورهای عضو اوپک پلاس در نشست رسمی ۱۱۷۴ اوپک، در پی قول همراهی برخی اعضای اوپک با تحریم‌های نفتی آمریکا و پر کردن جای خالی نفت ایران و ونزوئلا بود (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۹ تیر ۱۳۹۸).

دبیرکل اوپک بر خلاف رویه برخی اعضا، به مقابله با تحریم‌های آمریکا برخاسته و برای حفظ سلامت بازار نفت خواستار یافتن راه‌حلی سریع برای پایان دادن به مناقشات ناشی از تحریم‌های نفتی شده است. همچنین یکی از مهم‌ترین مناقشاتی که

بارکیندو از آن نام می‌برد میان ایران و آمریکا در جریان است و آن چیزی نیست جز نگرانی از بالا گرفتن تنش‌ها در خاورمیانه به‌عنوان قلب تپنده تولید نفت دنیا. تهدید به مسدود کردن تنگه هرمز از طرف ایران نیز مطرح است. نگرانی از این تنش‌ها به قدری بر بازار اثرگذار است که نگرانی نسبت به کند شدن رشد جهانی اقتصاد را پوشش می‌دهد (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۹ تیر ۱۳۹۸).

بدین ترتیب ایران با اعمال فشار بر اوپک، می‌تواند جو روانی علیه اعضای خاطی اوپک که از اساسنامه و قوانین عدول کرده و به فعالیت‌های خارج از چارچوب اوپک می‌پردازند انجام دهد. در چارچوب نهادگرایی نولیبرال باید از ابهامات رفتاری دولت‌ها کاسته شود، و رفتارها تعدیل و تنظیم شوند. این امر باید با تذکر و اعتراض سایر کشورها و ارکان داخلی اوپک صورت پذیرد. در چارچوب نهادی مثل اوپک می‌بایست دولت‌ها به کسب سود متقابل ناشی از همکاری تشویق شوند. اگر عضوی از اعضای اوپک قائل به این مسئله نبود می‌بایست مورد اعتراض سایر اعضا قرار گیرد. در داخل یک رژیم سود متقابل و منافع مشترک مطرح است نه سود یک کشور و زیان کشوری دیگر.

همچنین اوپک همانند سایر سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی نیازمند اصلاحاتی ساختاری و تغییراتی اساسی است تا قادر باشد به وظایف خود عمل کند و تحت فشار قدرت‌های بزرگ قرار نگیرد. بدین جهت انسجام بیشتر بین اعضای آن و تنش زدایی بین آنها بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود و ایران باید این نقش را در همسویی و همگرایی اعضای اوپک ایفا کند (برومند جزی، ۱۳۸۲: ۶۲). کمالینکه رویکرد نهادگرایی نولیبرال نیز برای مدیریت مسائل و چالش‌های نوین معتقد است نهادها باید بازسازی و اصلاح شوند و در آن تمایلات، نگرانی‌ها، موقعیت و شرایط جدید کشورها و محیط لحاظ شود.

۵- تلاش برای دستیابی به جایگاه سیاسی-حقوقی برتر در اوپک

تسلط بر ساختار اوپک با دستیابی به اداره ارگان‌های مختلف و پرنفوذتر اوپک، استراتژی دیگری است که مورد توجه برخی بوده است. مثلاً گفته شده که اگر دبیرکلی از ایران برای اوپک انتخاب شود علاوه بر ارتقای جایگاه و وجهه بین‌المللی ایران، می‌تواند دبیرخانه اوپک را نیز اداره کند (برومند جزی، ۱۳۸۲: ۵۷).

۶- تضمین آینده فروش نفت کشور با روش‌های اقتصادی نوین

رقبای ایران در بازار نفت، طی سال‌های گذشته با استفاده از روشهایی مثل خرید سهام پالایشگاه، فروش سهام شرکت‌های نفتی خود، انعقاد قراردادهای بلندمدت سرمایه‌گذاری در میادین نفتی، تأمین مالی به ازای فروش نفت، سرمایه‌گذاری‌های مشترک و استفاده از شیوه‌های نوین بازاریابی مثل پوشش ریسک، روابط استراتژیکی با مصرف‌کنندگان نفت ایجاد کرده و فروش نفت خود در آینده را تضمین می‌کنند (دولابی و حامدی، ۱۳۹۶: ۴۳) که هر یک از این روش‌ها می‌تواند مورد توجه ایران قرار گیرد.

۷- تهدید به خروج از اوپک

عده زیادی معتقدند با وجود اینکه ایران تلاش برای احقاق حقوق خود در چارچوب ایجاد مفاهمه را انجام داده، ولی شرایط بین‌المللی ناشی از سلطه آمریکا و همراهی برخی از کشورهای منطقه مانند عربستان سعودی باعث شده تا ایران به منافع خود در چارچوب اوپک نرسد. در نتیجه این عده معتقد به خروج از این سازمان هستند. در هر صورت این مسئله نیز می‌توان به عنوان یک استراتژی برای ایران به منظور مقابله با تحریم‌های آمریکا لحاظ شود، هرچند نمی‌توان آن را در چارچوب نهادگرایی نولیبرال بررسی کرد، مگر اینکه از قبل، حق شرطی در این زمینه قرار داده می‌شد، مبنی بر اینکه در صورتی که منافع کشور در چارچوب اوپک تأمین نشد، حق خروج محفوظ است. در هر صورت می‌توان این استراتژی را نیز جداگانه مورد بررسی قرار داد.

توسعه و تداوم درآمدهای نفتی برای کشورهای مبدل به یکی از مهمترین مبانی و ارکان قدرت و مشروعیت آنها شده است. بنابراین کاهش درآمدهای نفتی ناشی از کاهش قیمت یا کاهش صادرات، به معنی تهدید یا آسیبی برای قدرت و مشروعیت این دولت‌ها است. کاهش مستمر درآمدهای نفتی حتی می‌تواند منجر به تهدید امنیت و حتی موجودیت این حکومت‌ها باشد (حشمت‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۹). به همین دلیل عده‌ای معتقدند به دلیل اینکه ایران در چارچوب اوپک قادر به برآوردن منافع خود نیست لاجرم باید از آن خارج شود.

در همایش حداکثر سازی درآمد نفت که در مهر ۱۳۸۱ برگزار شد، مشاور وزیر نفت (مسعود نیلی) و مشاور مرکز پژوهش‌های مجلس (مسعود درخشان) یکی از راه‌های حداکثر سازی درآمدهای نفتی را خروج ایران از سازمان اوپک دانستند. به اعتقاد آنها خروج از اوپک یکی از راه‌هایی است که حداکثر کردن درآمد نفت را میسر می‌سازد. در آن مقطع طرفداران خروج ایران از اوپک معتقد بودند که: خروج ایران از اوپک به هیچ وجه دارای جوانب منفی نیست؛ زیرا اولاً کارتل‌های اقتصادی خلاف اقتصاد بازار آزاد است، لذا ایران با خروج خود اعلام خواهد کرد که خواهان بازاری آزاد در صحنه نفت است و ثانیاً از آنجا که کشورهای جهان مایل به امنیت عرضه می‌باشند، لذا خروج ایران ضربه‌ای به بازار وارد نخواهد کرد (برومند جزی، ۱۳۸۲: ۵۹).

همچنین می‌توان از این منظر این‌گونه ادامه داد که با توجه به اینکه عربستان سعودی به عنوان دشمن یا حداقل رقیب سنتی ایران، مسلط بر اوپک است، بنابراین می‌توان در مورد خروج از سازمانی که دشمن سنتی ایران آن را مدیریت می‌کند، تأمل کرد. با توجه به اینکه حضور در اوپک توأم با رعایت سهمیه‌های تولیدی این سازمان توسط ایران است، اثر مهمی که خروج از اوپک دارد این است که ایران در بازار نفت به لحاظ تولید و صادرات نفت از هیچ محدودیتی برخوردار نبوده و می‌تواند همچون روسیه و با توجه به منافع ملی اقدام به تولید و صادرات نفت نماید (هرورانی و خوشکلام خسروشاهی، ۱۳۹۵: ۶۴).

به اعتقاد قائلین به خروج ایران از اوپک، آیا کشورهایی که در اوپک گردهم می‌آیند و در مورد تنظیم تولید، و به طور ضمنی اثرگذاری بر قیمت نفت، تصمیم می‌گیرند، در مقایسه با کشورهای صادرکننده غیر عضو اوپک از مزیتی برخوردارند؟ مثلاً آیا اعضای اوپک در مقایسه با غیر اوپک نفت را به قیمت بالاتری می‌فروشند؟ آیا بازار مصرف باثبات‌تری دارند؟ پاسخ به سؤالات منفی است. پس عضویت در اوپک در مقایسه با عضو نبودن چه مزیتی دارد؟ ایران عضو اوپک، که مبالغی بابت عضویت در این سازمان می‌پردازد، چه به دست می‌آورد که با خروج از اوپک آن را از دست می‌دهد؟

این افراد معتقدند ایران نیز مانند قطر در محاصره عربستان و کشورهای پیرو این کشور قرار دارد. عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین و مصر با اتهام حمایت این کشور از تروریسم، تحریم تجاری و مسافرتی را علیه قطر وضع کردند (Dursun, 2018: 1)، به طور قطع این مسئله یکی از دلایل خروج قطر از اوپک بود. ایران نیز باید این رویه را در پیش گیرد. البته مخالفان این استراتژی معتقدند اگر ایران از سازمان خارج شود، به سبب تغییر و تحولات بازار و نوسانات قیمت‌ها نمی‌تواند در بلندمدت موفق عمل کند و تنها در کوتاه مدت جوابگو خواهد بود. از طرفی، با عنایت به این موضوع که در حال حاضر ایران در تحریم به سر می‌برد، لذا خروج از اوپک می‌تواند مشکلات فراوانی با به وجود آورد. لذا به نفع کشور است که در سازمان اوپک باقی بماند و در مورد افزایش سهمیه خود مذاکرات جدی را در پیش بگیرد و به جای طرح مسئله خروج از اوپک، باید اوپک را وادار سازد تا در سیاست‌های فعلی خود تغییراتی به وجود آورد (برومند جزی، ۱۳۸۲: ۶۲).

البته باید توجه داشت که اوپک از معدود سازمان‌هایی است که توسط کشورهای جهان سوم اداره می‌شود و صاحب قدرت زیادی است. این قدرت منوط به اقتدار اعضای آن است که با خروج یکی از اعضا قدرت این نهاد رو به ضعف می‌گراید (برومند جزی، ۱۳۸۲: ۶۰). نگرانی اصلی اوپک از خروج ایران، آن است که با انجام این کار مسلماً رتبه و تأثیرگذاری سیاسی سازمان نزول خواهد کرد. به واقع، جمع کردن تولیدکننده‌های مهمی چون عربستان، کویت و ایران، کار بسیار مهمی است و در صورت خروج هر کدام از آنها، احتمال تضعیف سیاسی، و بالطبع، تأثیر گذاری سیاست‌های آن به نحوی که منافع اعضا را تأمین کند، وجود دارد.

نتیجه گیری

مقاله پیش‌رو با در نظر گرفتن این مسئله که تحریم‌های نفتی آمریکا و اتحادیه اروپا پس از خروج آمریکا از برجام، رگ حیاتی اقتصاد ایران را که فروش نفت و مشتقات آن در قالب سازمان جهانی اوپک بوده است، دچار آسیب جدی نموده، به دنبال آن است تا نشان دهد که آیا اوپک توانایی و ظرفیت حمایت از ایران برای مقابله با تحریم‌های آمریکا را دارد یا خیر؟ براین اساس، با محور قرار دادن نظریه نهادگرایی نولیبرال، اگر دیدگاه قائلین به لزوم خروج ایران از اوپک را کنار بگذاریم و قائل به امکان مقابله با تحریم‌ها در چارچوب کلان‌استراتژی ایجاد مفاهمه با اعضای اوپک باشیم، شش استراتژی برای کمک به حل و فصل مناقشه، پیش روی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود:

۱. ایجاد تفاهم با عربستان سعودی در قالب رو راهبرد ذیل:

الف. «شفاف‌سازی و سیال کردن اطلاعات هسته‌ای و سیاست‌های منطقه‌ای» در راستای کاهش ابهامات و نگرانی‌های عربستان سعودی و ایجاد سازوکارهای برای همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه در چارچوب اوپک تا تبدیل موضع عربستان از کشور دشمن به کشور دوست یا حداقل کشور بی‌طرف.

ب. «ایجاد و رهبری یک گروه متشکل از کشورهای سازگار با حال در اوپک» برای موضع‌گیری دسته‌جمعی علیه گروه رقیب خود در داخل اوپک در راستای افزایش قدرت چانه‌زنی و اجبار عربستان به همراهی بیشتر.

۲. استفاده از ظرفیت اوپک برای تبلیغ علیه اقدامات آمریکا با بهره‌برداری صحیح از دیپلماسی عمومی در قالب‌های مختلف رسانه‌ای و فرهنگی آن، از جمله استفاده از تریبون اوپک برای اعتراض به تحریم‌های آمریکا و بهبود وضعیت ایران هراسی توسط آمریکا و کشورهای مخالف جمهوری اسلامی ایران.

۳. فعال کردن دیپلماسی انرژی و همراه کردن سایر کشورها در چارچوب اوپک با فعال کردن دیپلماسی انرژی و یافتن مجاری ارتباطی جدید و عقد قراردادهایی با سایر کشورها و شرکت‌های بین‌المللی در چارچوب اوپک و قوانین آن که به جایگزینی همکاری مشترک به جای هژمونی تک نفره از طریق تجارت دولت‌ها منتج می‌گردد.

۴. اعمال فشار به اوپک در جهت انجام مفاد اساسنامه و حمایت از اعضا در راستای کاستن از ابهامات رفتاری دولت‌های عضو و تعدیل و تنظیم رفتارها و برخورد با دولت‌های خاطی نظیر عربستان سعودی.

۵. تلاش برای دستیابی به جایگاه سیاسی-حقوقی برتر در اوپک.

۶. تضمین آینده فروش نفت کشور با روش‌های اقتصادی نوین با ایجاد روابط استراتژیک با مصرف‌کنندگان نفت از طریق خرید سهام پالایشگاه، فروش سهام شرکت‌های نفتی خود، انعقاد قراردادهای بلندمدت سرمایه‌گذاری در میادین نفتی، تأمین مالی به ازای فروش نفت، سرمایه‌گذاری‌های مشترک و استفاده از شیوه‌های نوین بازاریابی مثل پوشش ریسک.

فهرست منابع

منابع فارسی

- احسانی، مهدی (۱۳۹۵)، «اوپک و سازمان بین‌المللی انرژی؛ رقابت بر سر امنیت»، سومین کنفرانس بین‌المللی فناوری و مدیریت، تهران: قابل دسترسی در: <https://civilica.com/doc/680060>.

- اعتراض رسمی اوپک به تحریم نفت (۱۳۹۸/۴/۱۹)، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره روزنامه ۴۶۵۱، <https://donya-e-eqtasad.com>.

- اوپک باید در برابر تحریم‌ها متحد شود (۱۳۹۷/۳/۱۹)، سایت اینترنتی: خبرگزاری مهر، <https://www.mehrnews.com/news>.

- ایران و ونزولا؛ از شکستن اعتصاب صنعت نفت تا بریدن حلقه تحریم (۱۳۹۹/۳/۶)، سایت اینترنتی: خبرگزاری مهر، <https://www.mehrnews.com/news>.

- باقری، اعتماد، رنجبر، مقصود، جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۹۷)، «بررسی عوامل شکلگیری، تحول و جایگاه اوپک و تأثیر آن در اقتصاد جهانی در دهه کنونی»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره هشتم، شماره ۲۷، صص ۱۴۸-۱۲۳.

- برومند جزئی، شهرزاد (۱۳۸۲)، «عضویت ایران در اوپک: بودن یا نبودن»، پژوهشنامه اقتصادی، دوره سوم، شماره ۱۰، صص ۶۶-۳۹.

- بلوچی، حیدر علی (۱۳۸۲)، «جایگاه خلع سلاح و کنترل تسلیحات در تئوری‌های روابط بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۱۷، شماره ۱، صص ۱۶۳-۱۴۷.

- پوراحمدی، حسین (۱۳۹۰)، «امکان سنجی و تأثیر تشکیل سازمان کشورهای صادرکننده گاز (اوجک) بر همگرایی و ارتقای امنیت، قدرت و سایر منافع کشورهای صادرکننده گاز»، روابط خارجی، سال سوم، شماره ۴، صص ۵۲-۷.

- پوراحمدی، حسین، ذوالفقاری، مهدی (۱۳۸۸)، «دیپلماسی انرژی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، **دانش سیاسی**، سال پنجم، شماره ۱، صص ۴۰-۵.
- جکسون، رابرت، سورنسون، گنورگ (۱۳۹۰)، **درآمدی بر روابط بین‌الملل**، ترجمه مهدی ذاکریان، تهران: انتشارات میزان.
- حشمت زاده، محمدباقر (۱۳۹۰) «پنجاه سال اوپک و سیاست»، **راهبرد**، سال بیستم، شماره ۶۰، صص ۱۴۰-۱۱۳.
- خاتمی، سمانه، شکیبائی، علیرضا (۱۳۹۶)، «تحلیل نظری بازی تکاملی ایران و عربستان در چارچوب الگوریتم ژنتیک»، **فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی**، سال یازدهم، شماره ۲، صص ۲۹-۵۵.
- خیری، ایمان (۱۳۹۳)، «تحریم‌های اقتصادی چگونه خاتمه می‌یابد؟»، چهارمین کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در نگهداشت انرژی، تهران: قابل دسترسی در: <https://civilica.com/doc/365750>
- دولابی، حمیدرضا، حامدی، ارکیده (۱۳۹۶)، «استراتژی بازاریابی شرکت ملی نفت ایران»، **ماهنامه اکتشاف و تولید نفت و گاز**، شماره ۱۵۲، صص ۴۶-۳۵.
- سنگری مهذب، کبری، راغفر، حسین، موسوی، میرحسین (۱۳۹۸)، «تحلیل رفتار بازیکنان در بازی تحریم‌های امریکا علیه ایران: رویکرد مبتنی بر عامل»، **مجلس و راهبرد**، سال بیست و ششم، شماره ۱۰۰، صص ۲۱۳-۱۷۷.
- سیدتقی زاده، حمید، رئیسی، لیلی، اسماعیلی، بشیر (۱۳۹۸)، «بررسی مشروعیت تحریم‌های یکجانبه امریکا پس از خروج از برجام بر اساس منشور ملل متحد»، **مطالعات روابط بین‌الملل**، سال دوازدهم، شماره ۴۷، صص ۷۰-۳۹.
- سیف، الله مراد، حافظیه، علی اکبر (۱۳۹۲)، «راهبردهای تجارت بین‌الملل اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، **مطالعات راهبردی بسیج**، سال شانزدهم، شماره ۶۰، صص ۲۱۶-۱۸۴.
- سیمبر، رضا (۱۳۸۹)، «سیاست خارجی امریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران»، **دانش سیاسی**، سال ششم، شماره ۲، صص ۱۴۸-۱۰۷.
- شهبابی، سهراب، بخشی، جواد، رفسنجانی‌نژاد، سیما (۱۳۹۲)، «دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران و مجمع کشورهای صادرکننده گاز»، **آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۸۱، صص ۱۵۱-۱۲۵.
- شهریاری، سلطانه‌علی، فیروزان، توحید، فرازمند، نیما (۱۳۹۸)، «بررسی سیاست‌های نفتی ایران در اوپک بر اساس نظریه بازی‌ها»، **پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال نهم، شماره ۱، صص ۲۸-۱.
- طباطبائی، محمدشهاب، محمدی، تیمور، خورسندی، مرتضی (۱۳۹۶)، «قدرت بازاری اوپک: آزمون وجود رفتار همکارانه اعضای اوپک با رویکرد ARDL»، **پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران**، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۱۵۱-۱۳۳.
- طغیانی، مهدی، درخشان، مرتضی (۱۳۹۳)، «تحلیل عوامل تأثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر ایران و راهکارهای مقابله با آن»، **راهبرد**، سال بیست و سوم، شماره ۷۳، صص ۱۴۶-۱۱۵.
- کریمی، غلامرضا، منوری، علی، میرترابی، سعید، شریفی، پرویز (۱۳۹۷)، «برجام و تأثیر آن بر کنش‌های اقتصادی عربستان سعودی در مقابله با ایران»، **پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۹۸-۱۲۲.
- لباف، عطیه، درخواست ایران از اوپک برای مقابله با تحریم‌های امریکا (۱۳۹۷/۳/۱۲)، روزنامه ایران، شماره ۶۷۹۵، <https://www.magiran.com/article/3753223>
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۴)، «سیاست گذاری اقتصاد سیاسی نفت و تحریم‌های بین‌المللی ایران»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، سال دهم، شماره ۳، صص ۲۰۱-۱۷۱.
- معینی، شهرام، شریفی، علیمراد، فروهرمنش، هادی (۱۳۹۵)، «تحلیل پایداری مجمع نفتی اوپک: رهیافت نسبت صیانت و تأثیر تحریم اقتصادی ایران»، **نظریه‌های کاربردی اقتصاد**، سال سوم، شماره ۳، صص ۲۴-۱.

- ولیزاده، اکبر (۱۳۹۰)، «رهیافت‌ها و نظریه‌های کارایی تحریم در اقتصاد سیاسی بین‌المللی»، **فصلنامه سیاست**، دوره چهل و یکم، شماره ۱، صص ۳۶۵-۳۴۹.
- هرورانی، حسین، خوشکلام خسروشاهی، موسی (۱۳۹۵)، «اقتصاد مقاومتی و راهبرد جمهوری اسلامی ایران جهت مقابله با رویکردهای خصمانه امریکا و عربستان سعودی در بازار نفت»، **سیاست‌های مالی و اقتصادی**، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۷۰-۴۳.
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۶)، «دگرگونی در نظریه‌ها و مفهوم امنیت بین‌الملل»، **مطالعات راهبردی**، شماره ۳۸، صص ۷۵۰-۷۲۵.

منابع انگلیسی

- Arezki, Rabah and others (2017), "Oil Prices and the Global Economy", International Monetary Fund, available at: <https://www.imf.org/en/Publications/WP/Issues/2017/01/27/Oil-Prices-and-the-Global-Economy-44594>.
- Brown, Phillip (2020), "Oil Market Effects from U.S. Economic Sanctions: Iran, Russia, Venezuela February", Congressional Research Service, available at: <https://fas.org/sgp/crs/row/R46213.pdf>.
- Dursun, Ahmet (2018), "Iran calls for examining reasons of Qatar's OPEC exit", available at: <https://www.aa.com.tr/en/middle-east/iran-calls-for-examining-reasons-of-qatar-s-opec-exit/1330117>.
- Herbert, Anne (1996), "Cooperation in international relations: a comparison of Keohane, Haas and Franck", **Berkeley Journal of International Law**, Vol. 14, No. 1, pp: 222-238.
- Koremenos, Barbara (2002), "Can cooperation survive changes in bargaining power? the case of coffee", **Journal of Legal Studies**, No. 31, pp: 259-83.
- Sharafedin, Bozorgmehr (2018), "Iran says no Opec member can take over its share of oil exports", available at: <https://www.livemint.com>.
- Simpson, Gerry (2000), "The situation on the international legal theory front: the power of rules and the rule of power". **European Journal of International Relations**, Vol. 11, No. 2, pp: 439-464.
- Verma, Shiv Kumar (2007), "Energy Geopolitics and Iran- Pakistan- India Gas Pipeline", **Energy Policy**, Vol. 35, No. 6, pp: 3280-3301.